

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
 بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى الْهَادِي الْبَشِيرِ، السَّراجِ الْمُنِيرِ، سَيِّدِنَا سَيِّدِ
 الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، أَبِ الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَا سَيِّمًا بَقِيَهُ
 اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ .

"أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا خَيْرُ مَا تَوَصَّى الْعِبَادُ بِهِ وَخَيْرُ
 عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ

بندگان خدا خودم را و همه شما عزیزان را به رعایت تقوای الهی سفارش
 می کنم.

از سفارشهای بسیار مهم و با ارزش وجود مبارک رسول خدا (ص) بهمه
 مردم غنیمت دانستن فرصتهایی است که برای همه بوجود می آید. رسول
 خدا (ص) «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامٍ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا» بحار
 الأنوار: 68/221، باب 66 یک نمونه از بهره بردن از فرصت ها ۱۳۰ سال
 قبل در شهر رضای اصفهان که شهر کوچکی بوده و ماشین نیز نبوده و
 رفت و آمد خیلی کم بوده کاسبی با باغ انگور و کسب نسبتاً با در آمدی
 داشته روزی این مرد به مغازه بقالی میآید چند قلم جنسی را که
 میخواست به بقال میگوید اینها را برای من بیاور تا ببرم بقال شاگردش را

که سیزده ساله بوده صدا میزند و میگوید: أجناس را برای آقا تهیه کن
شاگرد صورت را تهیه میکند و خیلی مرتب، با وقار و با أدب تحویل میدهد
خریدار می بیند این شاگرد سیزده ساله با بچه های دیگر فرق میکند به
أندازه أفراد سی ساله میفهمد! جنس ها آماده میشود أما خریدار بجای
اینکه در کیسه بریزد و به خانه ببرد به صاحب مغازه میگوید: من میتوانم
با این شاگرد مقداری حرف بزنم؟ میگوید: بله! نوۀ ایشان صاحب ترجمه
قرآن مهدی الهی قمشه ای است به شاگرد گفت: تو پسر کی هستی ؟
میگوید: پسر میر سید عبدالباقی! گفت: پدرت همین کسی است که در
خانه ها روضه میخواند؟ میگوید: بله گفت: أصالتاً أهل کجا هستید؟
میگوید: زواره أردستان. با هر چه که خریده بود به خانه میر عبدالباقی
میروند سلام و أحوالپرسی میکند و میپرسد: چرا پسر شما در بقالی
شاگردی میکند؟ میگوید: من عیال وارم خرجم زیاد است این بچه را در
بقالی گذاشته ام تا کمک خرجی ما باشد. گفت: یعنی نمیخواهی او را
بفرستی که تحصیل کند ؟ گفت: خیلی دلم میخواهد که این بچه تحصیل
کند.

میگوید: اگر خرج تحصیلش را بدهم و تو نیز قدری فشار اقتصادی را
تحمل کنی قبول میکنی؟ گفت: بله. حسن را به حوزه علمیه می برد او سه
سال درس میخواند حالا جوان پانزده ساله شده و تمام نمره هایش بیست
است. روزی به این بزرگواری که خرج تحصیلش را میداده میگوید: من
تحصیلم بجایی رسیده است که دیگر نمیتوانم در شهرضا بمانم باید به

اصفهان بروم و آنجا ادامه دهم. میگوید: خرج رفتن تا اصفهان و هر ماه را برای تو میفرستم میگوید: من دیگر خرجی نمیخواهم چون پانزده ساله هستم و در اصفهان با تکیه بر خدا خرجی ام میرسد. بقیه از نان خشک و لباس کهنه بر میدارد و سه سال در اصفهان میماند و بعد پای درس آیت الله العظمی سید محمد باقر در چه ای جهانگیر خان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشانی میرود برای مخارجش پنج شنبه ها و جمعه ها کارگری میکرد. بعد از بیست و چهار سال مجتهد میشود و به نجف میرود. روزگاری که آخوند خراسانی تنها مرجع عالم تشیع بود و انقلاب مشروطه شروع شده بود مجلس شورای ملی در آن زمان از پنجاه وکیل برپا میشود طبق قانون اساسی آن زمان باید پنج مجتهد جامع الشرایط به مجلس معرفی شوند تا بر تصویب قوانین مجلس نظارت کنند که ضد قرآن و دین نباشد. او یکی از این پنج نفر بلکه در رأس همه آنها در شورای نگهبان و ناظر قانونهای مصوب مجلس شورای ملی بود همان شاگرد بقال که آیت الله سید حسن مدرس شد معرفی میشود به تنهایی می ایستد و با دشمن داخلی و خارجی میجنگد و تا زنده بود ایران بوسیله انگلیس و روس تقسیم نشد چون استعمار بنا داشت کشور ما را به دو قسمت شمال و جنوب تقسیم کند از تهران تا دریای خزر برای روس باشد و از تهران به بعد تا نوار خلیج فارس برای انگلیس بشود! فقط این روحانی از این تقسیم مانع شد و الا دولت ترسو و خود باخته داشت زیر بار قرار داد تقسیم میرفت. مدرس در مجلس فریاد کشید گفت: قبل از

این تقسیم باید ما چهارده میلیون نفر ملت ایران را بکشند ما نباشیم تا ایران تقسیم شود! بعد هم ایشان را به شهادت رساندند. انسانِ حکیم، عالم، مرجع، فقیه، مفسر، اصولی و سدی در مقابل تقسیم و نابود شدن ایران! این معنای غنیمت دانستن فرصت و منفعت بردن از آن است. با همین غنیمت دانستنِ فرصت چقدر برای این مملکت کار کرد به عمرش یکبار هم نترسید. زمان رضاخان در ایران مردم حتی در پستو خانه های روستاها از اسم رضاخان وحشت میکردند روزی رضاخان جلوی مجلس مدرسی را دید پیرمردی با دست لرزان و یک عصا رضاخان سر مدرسی داد کشید: سید! از من چه میخواهی که در مجلس علیه من حرف میزنی؟ گفت: من از تو یک چیز بیشتر نمیخواهم آنهم اینکه زودتر بمیری! حافظ منافع این مملکت بود قرار دادهای استعماری را نگذاشت که امضا شود .

ثبت نام حوزه های علمیه شروع شده فرصت خوبی است واقعا فرزندانمان یا کسانی که توانمند هستند بفرسیم حوزه واقعا امروز نیاز داریم به طلاب جوان و نخبه که کمک کنند نسل جوان را وبه رشد جامعه کمک کنند.

هارون الرشید داشت میرفت بهلول خوابیده بود گفت: برخیز! گفت: من خسته ام تو از آنطرف برو! گفت: من سالت هست تو را میشناسم چیزی از من نخواستی ای چرا محاسنت این همه درهم است؟ گفت: شانه ندارم. هارون شانه مخصوص سلطنتی خودش را در آورد و گفت: این برای تو.

شانه را گرفت و به صورتش نزد گفت: شانه جا میخواید این لباسِ پارهٔ من جیب ندارد. هارون گفت: لباسِ مخصوص مرا به او بدهید لباس را به او دادند آن را کنار گذاشت هارون گفت: آیا این بی احترامی به لباس من نیست؟ گفت من جا ندارم آن را کجا بگذارم به او خانه دادند گفت: این خانه خرج دارد هارون گفت: به او فلان باغ را بدهید تا از درآمد آن خانه را اداره کند بهلول گفت من تنها نمیتوانم خانه و باغ را اداره کنم هارون گفت: دو غلام به او بدهید بهلول شانه را در دامن هارون انداخت و گفت: شانه ای که این همه دنباله داشته باشد نخواستیم! إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامٍ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَّا فَتَعَرَّضُوا لَهَا پیامبر میفرماید: مردم آخرالزمان زندگی برای خود فراهم میکنند که فکر میکنند هزار سال ماندنی هستند!

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. صَدَقَ اللَّهُ الْعَلَى الْعَظِيمُ.

----- خطبه دوم بسم الله الرحمن الرحيم -----

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِنَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ، وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ، اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، وَنَجِّبِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَفِيَّكَ مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامَ الرَّحْمَةِ، وَمِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ سَيِّدَنَا وَنَبِيَّنَا مُحَمَّدٌ وَعَلَى أَبِي الْحَسَنِ، يَعْسُوبُ

الدِّينَ، رَئِيسَ المَوْحِدِينَ، سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ، إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَلَى فَاطِمَةَ
 الزَّهْرَاءِ حَبِيبَةِ اللَّهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَعَلَى الْحَسَنِ وَالحسينِ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ
 الْجَنَّةِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ
 عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرضا المرتضى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ
 الْخَلْفِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ حَجَّكَ اللَّهُ عَلَى عِبَادِكَ وَأَمَنَّاكَ فِي بِلَادِكَ .

یک نکته در مورد آمریکا ورژیم صهیونیستی و مبارزه با باطل عرض کنم.

در سیره ائمه علیهم السلام نیز اصل باطل ستیزی به وضوح دیده می شود. قیام
 امام حسین (علیه السلام) در کربلا، نمونه ای بارز از ایستادگی در برابر باطل
 است. سیدالشهداء^(ع) با آگاهی از شهادت خود و یارانش، در برابر یزید و
 نظام طاغوت و باطل ایستادند تا نشان دهند که باطل، هر چند در ظاهر
 قدرتمند به نظر آید، در برابر حق پایدار نخواهد ماند. این قیام،
 الهام بخش ابدی نسل های بشری برای مبارزه با ظلم و باطل شد و نشان
 داد که اقدام و مقاومت، کلید پیروزی است.

قرآن می فرماید: «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ
 وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا» (فتح: ۲۲)؛ شما اگر سینه سپر کردید، اگر ایستادید،
 بدون تردید او پشت خواهد کرد؛ اما اگر شما یا نشستید یا روی خوش
 نشان دادید یا لبخند زدید یا فرار کردید یا او را به کارهایش تحسین
 کردید، نه، او از بین نمی رود، روز به روز بیشتر هم پُرروتر خواهد شد»

حضرت اقا فرمودند:

«این باطل [آمریکا و رژیم صهیونی] از بین خواهد رفت؛ باطل ماندنی نیست، باطل رفتنی است، بلاشک! منتها باید اقدام کرد. این جور نیست که ما بنشینیم تماشا کنیم تا باطل خودش آب بشود و از بین برود؛ نه، اینکه خدای متعال باطل را رفتنی اعلام می‌کند، این یعنی اگر چنانچه در مقابله ایستادی، مبارزه کردی، کار کردی، این ماندنی نیست، این قدرت بر مقاومت ندارد.»

بنابراین این سخن رهبر معظم انقلاب، فراتر از یک تحلیل نظری، یک دستورالعمل عملی برای امروز ماست. در جهانی که باطل در قالب‌های مختلفی چون ظلم، فساد، استکبار و تحریف حقایق ظاهر می‌شود، وظیفه مؤمنان، ایستادگی و اقدام است. این اقدام می‌تواند در قالب‌های مختلفی چون جهاد فرهنگی، مبارزه اقتصادی، فعالیت سیاسی یا حتی روشنگری در فضای مجازی باشد. مهم این است که هیچ‌گاه در برابر باطل، سکوت و سازش نکنیم.

در جریان مذاکرات هم این نکته را عرض کنم

حضرت اقا فرمودند: گمان نمی‌کنم این مذاکرات به نتیجه برسد و آینده آن معلوم نیست.»

واقعیت این است که آمریکا می‌خواهد ما اصلاً انرژی هسته‌ای نداشته باشیم و این یعنی نابودی ایران.

واز طرف دیگر هیچ تعهدی هم در برابر برداشتن تحریم ها حاضر نیست بدهد.

با همه این شرایط تیم مذاکره کننده ایرانی دارند تمام تلاششان را می کنند که متقاعد کنند باید انرژی صلح آمیز باشد و ما هیچ وقت دست به ساخت صلاح اتمی و بمب اتم نمی زنیم چون اصلا شرعا حرام میدانیم و شما هم باید در مقابل تحریم ها را بردارید.

مناسب ها - چهارشنبه 7 خرداد - اول ذی الحجه سالروز ازدواج حضرت علی و فاطمه (روز ازدواج)

چند روزی از آغاز زندگی مشترک علی و فاطمه (سلام الله علیهما) می گذشت، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نظر علی (ع) را درباره همسرش جويا شدند: «علی جان! فاطمه را چگونه همسری یافتی؟» مولا (ع) هم با کلامی که حکایت از اوج شکر و سپاس او داشت، نظر خود را درباره عشق جاودانی اش اینگونه خلاصه کرد: «نعم العون علی طاعة الله». آری! آنچه زندگی و پیوند دنیایی زوجین را به زندگی همیشگی در پرتو خورشید مهر الهی متصل می کند، تنها و تنها همین است: «طاعت حق» است. زوجین باید در تقویت ایمان هم بکوشند و از دست یکدیگر جام ذکر الله بنوشند و در برابر حملات شیطان سپر هم باشند و در اجرای وظایف دینی، مشوق و یار یکدیگر باشند.

مفهوم خوشبختی

خوشبختی یعنی آرامش و احساس سعادت و امنیت. جشن و اسراف و زیاده‌روی، کسی را خوشبخت نمی‌کند. مهریه و جهیزیه هم کسی را خوشبخت نمی‌کند.

پایبندی به روش شرع است که انسان را خوشبخت و سعادتمند می‌کند
همدیگر را بهشتی کنید!

ازدواج و اختیار همسر، گاهی در سرنوشت انسان مؤثر است. خیلی از زن‌ها هستند که شوهرانشان را بهشتی می‌کنند. خیلی از مردها هم هستند که زن‌هایشان را بهشتی می‌کنند

تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر! همدلی و همکاری کردن، معنایش این است که همدیگر را در راه خدا حفظ کنید. تواصی به صبر و تواصی به حق کنید. اگر خانم خانه می‌بیند شوهرش دارد دچار یک انحرافی می‌شود، فرضاً در یک معامله نامشروعی دارد قرار می‌گیرد، توی یک جریان غلطی دارد می‌افتد، توی پول در آوردن‌های نادرست دارد می‌افتد، توی رفیق‌بازی‌های ناسالم دارد می‌افتد، اول کسی که باید او را حفظ کند، اوست. اگر متقابلاً مرد این احساس‌ها را به نوع دیگری درباره‌ی زنش کرد، اولین کسی که باید زن را حفظ کند شوهر اوست. البته حفظ کردن هم، با محبت کردن و با زبان خوش و با منطق صحیح و با برخورد مدبرانه و حکیمانه حاصل می‌شود، نه با بداخلاقی و قهر و این چیزها. یعنی هر دو مراقب باشند تا آن دیگری را در راه خدا حفظ کنند

زن و شوهر باید همدیگر را در راه صحیح و صراط مستقیم الهی حمایت کنند. اگر هر کدام از این‌ها مشاهده می‌کنند یک عمل خیر و یک کار شایسته‌ای از همسرشان سر می‌زند، آن را تشویق کنند و اگر برعکس، احساس کردند که خطایی و یک انحرافی خدای نخواستہ وجود دارد، سعی در اصلاح آن بکنند. یکدیگر را در راه خدا کمک و تشویق کنند

زن و شوهر باید سعی کنند که یکدیگر را اصلاح کنند؛ نه مثل یک آقابالاسر که مرتب به دیگری نیش بزند؛ نه مثل یک پرستار و یک مادر و پدر دلسوز

سازگاری، راز خوشبختی

حضرت آقا فرمودند: من یک وقت خدمت امام رفتم. ایشان می‌خواستند خطبه عقدی را بخوانند. تا من را دیدند گفتند: شما بیا طرف عقد بشو! ایشان برخلاف ما که طول و تفصیل می‌دهیم و حرف می‌زنیم، عقد را اول می‌خواندند، بعد دو سه جمله‌ای کوتاه صحبت می‌کردند. من دیدم ایشان پس از اینکه عقد را خواندند رویشان را به آن دختر و پسر کردند و گفتند: «بروید با هم بسازید». من فکر کردم، دیدم که ما این همه حرف می‌زنیم؛ اما کلام امام در همین یک جمله بروید و با هم بسازید خلاصه می‌شود.

این نکته را به جوانان عرض کنم سعی شما این باشد که در تمام دوران زندگی، به خصوص سال‌های اول (پنج سال اول) با هم سازگاری داشته

باشید. این طور نباشد که، یکی اندک ناسازگاری نشان داد، آن دیگری هم حتماً در مقابل او ناسازگاری نشان بدهد. نه! هر دو با هم سازگاری نشان بدهید و اگر دیدید همسران ناسازگاری کرد، شما سازگاری نشان دهید، اینجا از آن جاهایی است که سازش و کوتاه آمدن خوب است

معنای سازگاری چیست؟ اینکه می گویند شما سازگار باشید، یعنی شما با هر وضعیتی که هست و پیش آمده، بسازید. معنای سازگاری این است. یعنی چیزهایی در زندگی پیش می آید. خب، دو نفرند با هم تا حالا آشنایی نداشتند، زندگی نکردند، ممکن است فرهنگشان دو تا باشد. ممکن است عاداتشان دو تا باشد. اول، ممکن است یک ناسازگاری‌هایی ببینند. حالا، اول ازدواج که آدم هیچ متوجه نیست. بعد از یک خرده که گذشت، ممکن است یک ناسازگاری‌هایی حس کند، آیا باید اینجا از هم سرد شوند و بگویند: این مرد یا این زن دیگر به درد من نمی خورد؟ نه! شما باید خودتان را با این مسئله تطبیق دهید. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید و اگر دیدید نه، کاری‌اش نمی شود کرد، خب با او بسازید.

هیچ انسانی بی عیب نیست

اگر دیدید که همسران یک نقطه عیبی دارد و البته هیچ انسانی بی عیب نیست و اگر مجبورید او را تحمل کنید، تحمل کنید، که او هم، همزمان دارد یک عیبی را از شما تحمل می کند. آدم عیب خودش را که نمی فهمد، عیب دیگری را می فهمد؛ پس بنا را بگذارید بر تحمل. اگر

چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید. اگر دیدید کاری نمی‌شود کرد، با او بسازید

سازگاری دو طرفه

در قدیم بیشتر می‌گفتند، دختر باید سازگار باشد. برای پسر کأنه وظیفه سازگاری را قائل نبودند. نه! اسلام این را نمی‌گوید. اسلام می‌گوید که دختر و پسر هر دو باید سازگار باشند، هر دو باید بسازند. باید بنا را بر این بگذارند که زندگی خانوادگی را سالم و کامل و آرام و همراه با محبت و عشق متقابل اداره کنند و این را ادامه بدهند و حفظ کنند. اگر چنانچه ان شاءالله این فراهم شد که فراهم کردنش هم با تربیت‌های اسلامی مشکل نیست. این خانواده همان خانواده سالمی خواهد بود که اسلام معتقد به اوست.

در پایان از حضور تک تک شما عزیزان مردم خوب شهر زاوین و چناروروستاهای

اطراف دانش آموزان و معلمان و مدیران و مسئولین و مهمانان گرانقدر که از

جاهای مختلف در نماز جمعه شرکت فرمودید متشکرم.

انشالله خداوند به همه شما عزیزان طول عمر با برکت عنایت بفرماید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ